

روابط خانات ایروان با گرجی‌ها و نقش قدرت‌های پیرامونی در دوره حکمرانی حسینعلی خان قاجار ایروانی*

محمد عزیزنژاد^۱ / رضا دهقانی^۲

چکیده

حکومت محلی خانات ایروان (۱۱۶۰-۱۳۴۳ ق.)، در قلمرو جغرافیای سیاسی ایالت چخور سعید سابق حکومت صفوی شکل گرفته بود. حیات سیاسی این خان نشین از بلو تأسیس همواره مورد تهدید مداوم حکومت‌های همجوار خصوصاً گرجی‌ها قرار داشت. این وضعیت تهدیدآمیز، نظر حاکم ایروان حسینعلی خان را به نیروی سوم معطوف می‌ساخت تا برای حفظ استقلال خویش از دیگر قدرت‌های منطقه‌ای یاری بطلبد. در واقع شکل‌گیری روابط خانات ایروان با قدرت‌های پیرامونی بیشتر ناشی از ملاحظات سیاسی و بر گرفته از همسویی منافع بود. با این حال، روابط خان ایروان با دول همجوار، همواره از یک رابطه پایداری برخوردار نبود. چرا که تنها مسأله شناخته شده و قابل درک برای حاکم خانات فوق‌الذکر، حفظ حکومت در حوزه‌های محدود و محلی خانات به هر وسیله ممکن بود. در این مقاله مناسبات سیاسی و نظامی خانات ایروان با گرجستان و نقش نیروهای پیرامونی در منازعه خانات ایروان با گرجی‌ها در منطقه قفقاز جنوبی در دوره حکمرانی حسینعلی خان زیاد اوغلی قاجار ایروانی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که علل مداخله سیاسی نظامی دولت‌های پیرامونی در تحولات داخلی خانات ایروان به موقعیت ممتاز تجاری و سوق‌الجیشی ولایت ایروان و قرار گرفتن در تقاطع راه‌های تجاری منطقه قفقاز جنوبی بر می‌گشت و هدف اصلی خانات ایروان نیز بهره‌برداری از تضاد منافع قدرت‌های مزبور در منطقه قفقاز برای حفظ استقلال حکومت محلی ایروان بود. واژگان کلیدی: خانات ایروان، حکومت کارتلی کاختی، حسینعلی خان قاجار، ایران، عثمانی، روسیه.

Relations of Khanate of Yerevan with Georgians and the Role of the Peripheral Powers on the Rule of Hossein Ali Khan Qajar Yerevani

Mohammad Aziznejad³ / Reza Dehghani⁴

Abstract

Local government of Khanate of Yerevan (1160/1243-AH.) was formed at the geopolitical zone of former Chokhur Saad of Safavi government. The political life of this Khanate was always under the threat of neighboring governments such as Georgian government. Undoubtedly, this situation diverted the governor of Yerevan, Hossein Ali Khan towards the third power so that his political independence can be maintained. In fact, the formation of relations between Khanate of Yerevan and peripheral powers was due to political considerations and mutual interests. However, relations of Khan of Yerevan with neighboring governments were not always stable, since the only recognized objective for the Khanate of Yerevan was to preserve its domain and governance over a limited and localized region through utilization of any measures or means. The aim of present research is to study the political and military relations of Khanate of Yerevan and Georgians and the role of peripheral powers about the conflict of Khanate of Yerevan and Georgians in the south Caucasus region on the rule of Hossein Ali Khan Ziyad Oglu Qajar Yerevani. The findings show that the causes of political and military interference of peripheral governments in the internal affairs of Khanate of Yerevan were emerged due to the commercial and strategic characteristics of Yerevan and its unique geopolitical configuration in the commercial routes and crossways of south Caucasus region. The main objective of Khanate of Yerevan was to exploit dissension of local powers of Caucasus region in favor of preserving its local governance.

Key words: Khanate of Yerevan, Kartli-Kakheti Government, Hossein Ali Khan Qajar, Iran, Ottoman, Russia.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ مطالعات ایران دوره اسلامی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول) *تاریخ دریافت ۱۳۹۳/۵/۱۵ تاریخ

پذیرش ۱۳۹۳/۹/۲۵

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه تبریز

3. PhD Student, Department of History, Tabriz University, E-mail: maziznejad63@gmail.com

4. Associate Professor, Department of History, Tabriz University, E-mail: rdehghani@tabrizu.ac.ir

مقدمه

مقطع زمانی بعد از مرگ نادرشاه (۱۶۰۱ق)، تا روی کار آمدن سلسله قاجاریه (۱۲۱۰ق) دوران آشفته‌ای به لحاظ سیاسی در تاریخ ایران بود. این آشفتگی سیاسی فضایی را فراهم نمود تا سران قبایل و فرماندهان نظامی نادرشاه دست به تشکیل حکومت‌های محلی در منطقه قفقاز و آذربایجان بزنند که در تاریخ، اغلب با عنوان «خوانین» و سرزمین تحت حکومت آن‌ها به نام «خانات» نامدار گشته‌اند. خانات ایروان یکی از چند خان‌نشین محلی قفقاز بودند که از وضعیت آشفته سیاسی ایران بهره بردند و سلسله‌ای تشکیل دادند که از زمان کشته شدن نادرشاه (۱۶۰۱ق.) تا ورود روسیه تزاری به منطقه قفقاز در ایالت سابق چخورسعد و نواحی اطراف آن فرمان راندند. این خانات از بدو تأسیس همواره با تهدیدات گوناگون خارجی مواجه بود. بارزترین تهدید خارجی، در دور حکمرانی حسینعلی خان (۱۱۷۲-۱۱۹۷ق./ ۱۷۵۹-۱۷۸۳م.)، تهاجم مداوم قشون گرجی از سوی مرزهای شمالی و همچنین تزارها از سوی سرحدات امپراطوری روسیه بود، که همواره موجبات دست اندازی به اراضی این ایالت را فراهم می ساخت.

این وضعیت تهدیدآمیز، بدون شک نظر حاکم ایروان «حسینعلی خان» را به نیروی سوم معطوف ساخت تا برای ایجاد توازن قوا در منطقه و نیز حفظ استقلال خویش از حکومت عثمانی و کریم خان زند یاری بجوید. در واقع مهمترین دغدغه حسینعلی خان قاجار از ایجاد روابط با دولت‌های عثمانی و ایران حفظ استقلال خانات و خنثی ساختن تهدیدات دشمنان داخلی و خارجی علی‌الخصوص گرجی‌ها بود. دولت عثمانی نیز پس از شکست‌های متمادی در برابر روسیه تزاری و از دست دادن حاکمیت اراضی شمال دریای سیاه و اراضی چرکستان^۵ به ویژه خانات کریمه مطابق معاهده «کوچوک قینارچه» (۱۱۸۸ق./ ۱۷۷۴م.)، توجه خویش را بیش از پیش به طرف قفقاز جنوبی معطوف نمود، تا با استفاده از نفوذ معنوی خویش به عنوان خلیفه مسلمانان، خوانین مسلمان قفقاز و حکام محلی داغستان را تحت یک لواء زیر اطاعت و فرمان خویش در آورد. تا از این طریق، با اعلان جهاد مذهبی علیه روس‌ها از قوای نظامی آن‌ها استفاده نماید. تا بدین نحو، سیاست توسعه طلبانه روسیه تزاری را به طرف قفقاز جنوبی و مرزهای شرق آناتولی، متوقف سازد. در بین خانات قفقاز، خانات ایروان (۱۱۶۰-۱۲۴۴ق./ ۱۷۴۷-۱۸۲۸م.)،

۵. چرکستان ناحیه‌ای است در قفقاز شمالی که از جانب غرب با دریای سیاه و از شرق به نواحی داغستان و از شمال با رود قوبان و از جنوب به گرجستان متصل می‌باشد. احمد راسم، رسمی و خریطلی عثمانلی تاریخی، ج ۳ (استانبول، صاحب و ناشری: اقبال کتابخانه سی حسین، ۱۳۲۷-۱۳۲۹)، ص ۱۰۴۴.

به سبب دارا بودن وضعیت مناسب استراتژیکی و سوق الجیشی نسبت به دیگر خانان قفقاز به عنوان «کلید دروازه قفقاز و ایران»، از جایگاه برجسته‌ای در نزد دولت‌های عثمانی، روسیه، و ایران برخوردار بود. به همین جهت، این خان‌نشین یکی از چند موضع اختلاف آفرین میان دولت‌های پیرامونی منطقه بود. با این حال، سیاست خارجی خان در برابر دولت‌های همجوار از یک روابط پایدار برخوردار نبود و سیاستی منعطف، متغیر، و محافظه کارانه بود. بدین گونه روابط خانان ایروان با گرجی‌ها، در دوره حکمرانی حسینعلی‌خان، فصل پر تنش و خصومت آمیزی را در میان دو قدرت رقم زده بود.

در خصوص مسأله روابط متقابل میان خانان ایروان و گرجی‌ها و نقش دولت‌های پیرامونی در دوره حکمرانی حسینعلی‌خان قاجار ایروانی تاکنون پژوهشی مستقل صورت نگرفته است و در تاریخ نگاری ایران نیز، این موضوع به شکل جدی مورد توجه نبوده است و مورخین ایرانی عصر زنده و قاجاریه نسبت به ثبت رخداد‌های تاریخی مربوط به جریان قدرت گیری و تشکیل خوانین در آذربایجان و قفقاز و روابط آنان با حکومت‌های ایران، عثمانی و روسیه تزاری تنها به گزارش‌های کلی و پراکنده اکتفا نموده‌اند. علی‌رغم این، تحقیقات علمی ارزشمندی از سوی پژوهشگران کشورهای جمهوری آذربایجان و ترکیه در این خصوص به عمل آمده است. به عنوان نمونه، مهمت علی چاقماق^۶ در تز دکتری‌اش با استفاده از اسناد و آرشیوهای دولت عثمانی، به روابط فیما بین امپراتوری عثمانی و خانان قفقاز در فاصله سال‌های ۱۱۳۵-۱۲۴۵ ق. / ۱۸۲۹-۱۷۲۳ م. پرداخته، که دارای اهمیت علمی بسزایی است. هرچند که او نیز در رساله‌اش به صورت تخصصی و عمیق تحولات خانان ایروان و روابط آن با دیگر ممالک همجوار و نقش آنان را مورد بررسی قرار نداده است.

نظر به ضرورت پرداختن به این مسأله، هدف پژوهش حاضر شناخت زمینه‌ها، علل، و عوامل روابط خصمانه میان خانان ایروان با حکومت گرجیان با تأکید بر نقش نیروهای فرمانطقه‌ای است که از طریق توصیف و تحلیل چگونگی این روابط از لابه لای متون و اسناد تاریخی و تحلیل این مناسبات و روند حاکم بر آن و سازوکارهای چنین مناسباتی بر اساس منابع و مأخذ تاریخی و اسناد عثمانی و موسسه تاریخ آرشیوی باکیخانوف جمهوری آذربایجان، حول محور پرسش‌های زیر، صورت می‌پذیرد:

۱. زمینه‌ها و مهم ترین علل درگیری‌های نظامی خانان ایروان با گرجیان در دوره حسینعلی خان

چه بود؟

۲. دولت‌های پیرامونی در قبال روابط خصمانه طرفین چه موضعی را اتخاذ نمودند؟

نگاه اجمالی به روند شکل‌گیری خانان ایروان

مرگ نادرشاه افشار در سال ۱۱۶۰ ق. / ۱۷۴۷ م. آغازگر کشمکش‌هایی بود که میان سران قبایل مختلف و بر سر جانشینی وی صورت گرفت. این امر برای خانان ترک قفقاز که جملگی تابع ایران بودند فرصتی فراهم آورد تا بتوانند خانان نیمه مستقل خود را تأسیس نمایند.^۷ یکی از این خان‌نشین‌های تأسیس یافته، خانان ایروان بود. خانان ایروان تا پیش از تشکیل، مرکز بیگلربیگی چخورسعد در دولت صفوی بود.^۸ شاهان صفوی به سبب همجواری ایالت ایروان با دولت عثمانی، به این منطقه توجه خاصی نشان می‌دادند و حاکم آن را از بین افراد قابل اعتماد و موثق خویش، از بین قبایل قزلباش استاجلو و قاجار، تعیین می‌کردند.^۹ ایالت مذکور از جمله مراکز تجمع طوایفی از قاجارها بود. این طوایف پس از انقراض حکومت صفویه به نادرشاه پیوستند و به سبب دوستی با او به طوایف قجر افشار موسوم شدند.^{۱۰} پس از قتل نادرشاه افشار ولایت ایروان به یکی از چند امارت نیمه مستقل قفقاز تبدیل شد و در اختیار خاندانی از بزرگان طوایف قاجار افشار ایروان درآمد.^{۱۱} اساس و پایه خانان ایروان را میر مهدی خان افشار گذاشت.^{۱۲} لیکن چندی نگذشت که آزاد خان افغان حاکم آذربایجان، قلعه ایروان را تسخیر و میر مهدی خان را از حاکمیت ایروان عزل و به جای وی نماینده خویش خلیل خان اوزبگ را به مقام خانی ایروان تعیین کرد.^{۱۳} خلیل خان در طی سال‌های ۱۱۶۰-۱۱۶۵ ق. / ۱۷۴۷-۱۷۵۲ م.، حاکمیت ایروان را در اختیار داشت. در زمان وی، قلمرو خانان ایروان در معرض تجاوزات سنگین داغستانی‌ها قرار

7. Bournoutian G. A, *The khanate of Erivan under Qajar Rule 1795-1828* (Costa Mesa, California and New York: Mazda Publishers in Association with Bibliotheca Persica, 1992), p.16.

8. Çakmak, Mehmet Ali. "Hanlıklar Devrinde Azerbaycan-Türkiye Münasebetleri 1723-1829," (Yayınlanmamış Doktora Tezi, Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Genel Türk Tarihi Anabilim Dalı (Ankara.1996), p.101.

۹. [کلاوس میشل] رهبر برن، نظام/ایالات در دوره صفویه، ترجمه کیکاوس جهانگیری (تهران: نگاه ترجمه و نشر کتاب،

۱۳۴۹)، ص ۵۱.

۱۰. علی پورصفر، حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار (تهران: موسسه فرهنگی، پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۷)، ص

۸۹.

۱۱. همان.

12. Elçin Qarayev, *İravan Xanlığı 1747-1828* (Bakı: Avropa Nəşriyyatı, 2010), p. 34.

13. Simeon Yerevantsi, *Jambri* (Yerevan: Mughni Hrtarakchutyun, 1958), p. 207.

گرفت.^{۱۴} این یورش قشون داغستان به شکل قابل توجهی از نفوذ و قدرت خلیل خان در نزد اهالی ایروان کاست. بزرگان و اشراف محلی ایروان از این موقعیت استفاده کرده و شورشی را علیه وی ترتیب دادند. از سوی دیگر، آزاد خان افغان، حامی و پشتیبان سیاسی و نظامی خلیل خان هم در راه کسب تاج و تخت ایران در مبارزه با محمدحسن خان قاجار مقهور شده و به ناچار به بغداد گریخته بود.^{۱۵} رهبری شورش را حسنعلی خان قاجار از منتفدین و بزرگان طایفه قاجار ایروان با همکاری زمینداران محلی بر عهده داشت. نتیجه شورش اهالی ایروان، منجر به کنار گذاشتن خلیل خان از حکمرانی ایروان گردید و به جای وی حسنعلی خان سر دسته شورشیان حاکمیت را بدست گرفت.^{۱۶} صعود وی بر حاکمیت سیاسی ایروان منجر به قدرت‌گیری طایفه محلی قاجار زیاد اوغلو تا اوایل سده نوزدهم گردید. حسنعلی خان، مدت زمان زیادی بر حاکمیت ایروان باقی نماند.^{۱۷} و پس از چهار سال حکومت، در سال ۱۱۷۲ ق/ ۱۷۵۹ م. سمت و مقام خانی ایروان را به برادرش حسینعلی خان واگذار کرد.^{۱۸}

مداخله گرجی‌ها در خانات ایروان و مواضع قدرت‌های پیرامونی

اگر تشکیل خانات ایروان با نام میر مهدی خان افشار گره خورده است، اقتدار خانات ایروان در سایه کوشش و مبارزات حسینعلی خان حاصل شد. وی جهت تقویت استقلال خانات، برقراری روابط دوستانه و حُسن همجواری با دولت‌های همسایه را در اولویت مناسبات خارجی خویش قرار داد.^{۱۹} در زمان حکمرانی حسینعلی خان قاجار زیاد اوغلو، به سبب وجود رقابت‌ها و نزاع‌های میان خوانین مسلمان قفقاز، خانات ایروان به شدت رو به ضعف گذاشت. والی گرجستان، ارایکلی دوم، با استفاده از این فرصت و به بهانه حمایت از اقلیت‌های آرامنه مدام به قلمرو ایروان هجوم می‌برد. حسینعلی خان هر چند در اوایل حکمرانی خویش بنا به وضعیت بحرانی حاکم بر خانات، مجبور به اطاعت و فرمانبرداری از تزار گرجی گشت. اما، به مرور زمان و با سر و سامان دادن به

14. Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA). "Hattı Hümayun (H.H)", (Nr. 879); Abdullah Temizkan, "Rusya ve Osmanlı Devleti'nin Kafkas-Otesinde Nufuz Mucadelesi," *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*, Cilt VI, Sayı 2, İzmir (2006), p.454.

۱۵. میرزا محمد صادق موسوی نامی اصفهانی، تاریخ گیتی‌گشا، به اهتمام سعید نفیسی (تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۳)، ص

۱۱۳؛ ابوالحسن بن محمد امین گلستانه، *مجم‌التواریخ*، به سعی و اهتمام مدرس رضوی (تهران: ابن سینا، ۱۳۴۳)، ص ۱۱۲.

16. Yerevantsi, pp. 207-208.

17. Ibid, p. 305.

18. F. Əliyev, U. Hasanov, *Irevan Xanlığı*, (baki, 1997), pp. 59-60.

19. Qarayev, p. 40.

اوضاع داخلی و تحکیم موقعیت خویش در ایروان به تدریج شروع به خارج شدن از تبعیت حکومت کارتلی کاختی^{۲۰} گردید. به طور کلی، سال‌های حکمرانی حسینعلی‌خان قاجار در ایروان مملو از جنگ و ستیز وی بر ضد تزار کارتلی کاختی می‌باشد. خانان ایروان هر سال مجبور به پرداخت باج و خراج مشخصی به حکومت گرجستان بودند. با این حال، حاکم گرجی هر سال مبلغ دریافتی از خان ایروان را افزایش می‌داد. حسینعلی‌خان نیز در مقابل این خواسته حکومت کارتلی کاختی موضع می‌گرفت و از پرداخت مالیات جدید خودداری می‌نمود. این امر نیز به نوبه خود خصومت و دشمنی طرفین را تشدید می‌کرد^{۲۱}. خان ایروان برای خارج شدن از وضعیت تحت‌الحماگی حاکم کارتلی کاختی همواره دنبال فرصت مناسب می‌گشت. طولی نکشید که این فرصت مطلوب برای خان ایروان مهیا گردید. بدین صورت که، در طی سال‌های ۱۱۸۲-۱۱۸۸ ق. / ۱۷۶۸-۱۷۷۴ م. میان دولت‌های عثمانی و روسیه تزاری جهت کنترل و سیطره بر سواحل دریای سیاه منازعه‌ای در گرفت. جنگ به مناطق بالکان و قفقاز جنوبی نیز سرایت کرد. در طول این منازعه، جهت سیطره بر منطقه قفقاز جنوبی موج جدیدی از رقابت روسیه عثمانی در منطقه آغاز شد. در طول محاربه، دولت‌های روس عثمانی در نظر داشتند که خوانین قفقاز را در این جنگ به نفع خویش وارد جنگ نمایند^{۲۲}. روسیه تزاری از طریق اهالی مسیحی مذهب منطقه، از جمله حکومت کارتلی کاختی گرجی خواستار تأثیرگذاری بر خوانین قفقاز بود. از این رو، ژنرال پُتمیکین^{۲۳} با اعطای هدایایی به ارایکلی خان حاکم گرجی و حاکم مینگرلی (آچیق باش) آنان را به طرف روسیه جلب نمود^{۲۴}. در ادامه به سال ۱۸۸۳ ق. / ۱۷۶۹ م. تحت فرماندهی توتلبن^{۲۵} یک فوج از قشون روسی وارد خاک کارتلی کاختی شدند. این اقدام روس‌ها منجر به تشویش و نگرانی خوانین قفقاز گردید^{۲۶}. دولت

۲۰. سه ایالت کاختی، کارتلی، و ایمرتی در طول تاریخ، شاهزاده نشین‌های مهم تاریخ گرجستان را تشکیل می‌دادند. در زمان حکومت نادرشاه، تیموراز و پسرش ارایکلی دوم، به سبب ابراز وفاداری و سرکوب مخالفان حکومت ایران از سوی نادر بر ایالت کارتلی ایفاء و فرزندش نیز بر حکمرانی کاختی منصوب شد. ایالت کارتلی قلب گرجستان بود. ایالت ایمرتی نیز در نواحی غربی گرجستان با امپراتوری عثمانی هم مرز و همواره تحت حاکمیت این دولت قرار داشت. ارایکلی دوم به دنبال مرگ پدرش جهت تحکیم وحدت

سیاسی گرجستان، دو ایالت کارتلی کاختی را در هم ادغام نمود. اما ایالت ایمرتی در دست سلیمان اول قرار داشت؛

Nikolas K. Gvosdev, *Imperial Policies and Perspectives towards Georgia, 1760-1819* (London: Macmillan Press Ltd., 2000), pp.14,16,25.

21. Yerevantsi, p.208.

22. Guntəkin Nəcəfli, *Azərbaycan Xanlıqlarının Osmanlı Dövləti ilə Siyasi əlaqələri XVIII əsrin II Yarısı* (Bakı, 2002), p. 27.

23. Potmikin

۲۴. راسم، ج ۳، ص ۱۱۰۰.

25. Totleben

26. Qarayev, p.43

عثمانی نیز به نوبه خویش با ارسال نمایندگان سیاسی همراه با هدایا و وعده‌های مختلفی به منطقه قفقاز، از جمله خانات ایروان، خوانین منطقه را به مبارزه بر ضد اتحاد قوای روسی گرجی دعوت می‌کرد.^{۲۷} در این بین موقعیت جغرافیایی خاص ایروان نظر قدرت‌های پیرامونی را به خود جلب کرده بود. دولتمردان عثمانی در قیاس با روس‌ها اهمیت خاصی برای ولایت ایروان قائل بودند. چنانچه فرستاده پاشای ارزروم، درویش آقا، در پاسخ به سوال جاثلیق ارمنی در رابطه با هدف سفر وی به ایروان، چنین بیان می‌نماید: «علت این که ما ایروان را می‌خواهیم این است که نگذاریم روسیان از این راه به کشور ما دست یابند»^{۲۸} علاوه بر این خانات ایروان، به سبب نزدیکی به میدان عملیات جنگی، دارای حائز اهمیت زیادی از بُعد نظامی و سیاسی برای طرفین بود. همچنین خان‌نشین مذکور، به حکم همسایگی، روابط نزدیکی با دولت عثمانی، و جایگاه مهمی در برقراری روابط متقابل آن دولت با دیگر خانات قفقاز داشت. حکومت روسیه، نیز، توجه زیادی به خانات ایروان داشت؛ چرا که این خانات به سبب همجوار بودن با دولت عثمانی از روابط خوبی با عثمانی‌ها برخوردار بود. از این رو، روس‌ها قصد داشتند با تصرف خانات مذکور آن را به یک پایگاه نظامی جهت ضربه زدن به عثمانی‌ها تبدیل نمایند. البته این نکته را نباید فراموش کرد که آرامنه ساکن خانات در کشاندن پای روس‌ها و گرجی‌ها به قلمرو خانات ایروان نقش مهمی را ایفا می‌کردند. لذا، هر دو طرف درگیر جنگ سعی می‌کردند جای پای محکمی برای خود در خانات ایروان به دست آورند. حسینعلی‌خان با وقوف بر این امر، سعی داشت تا از این تضاد منافع قدرت‌های درگیر جنگ به نحو احسن بهره برداری نماید. به این ترتیب، در طول جنگ فعالیت‌های سیاسی و نظامی دولت عثمانی در منطقه، رو به تزاید گذاشت. سلطان عثمانی خوانین مسلمان منطقه قفقاز و داغستان را به اتحاد و مبارزه بر ضد قوای روسیه گرجی فرا می‌خواند.^{۲۹} خان ایروان با استقبال از طرح اتحاد حکومت عثمانی به دعوت جهادی سلطان عثمانی جواب مثبت داد.^{۳۰} ارایکلی دوم در نامه خویش به گراف پانین^{۳۱} به تاریخ سال ۱۸۴۱ ق. / ۱۷۷۰ م. سیاست خانات ایروان و دولت عثمانی را در این خصوص چنین بازگو می‌کند:

به غیر از لزگیان داغستان و مردمان همجوار ما، خان ایروان نیز با ما سر عناد و دشمنی شروع کرده

۲۷. محمد امین ریاحی، تاریخ خوی (تهران: طرح نو، ۱۳۷۸)، ص ۱۵۷؛ جمال گوگچه، قفقاز و سیاست‌های امپراتوری عثمانی، ترجمه وهاب ولی (تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳)، ص ۱۶۰.

۲۸. پطرس دی سرکیس گیلانتز، سقوط اصفهان، ترجمه محمد مهریار (اصفهان: نشر گله‌ها، ۱۳۷۱)، ص ۱۱۰.
29. Qarayev, pp. 43-44

۳۰. گوگچه، ص ۱۰۵-۱۰۶.

است. وی [حسینعلی خان] با بی‌اعتنایی به تعهدات خویش در قبال ما، از حمایت ما خارج شده و به ترک‌ها گرویده است. سرعسگر تازه وارد قارص بر ضد ما از سلطان عثمانی همراه با ارزاق و دیگر کمک‌های مادی، قشون زیادی را هم طلب کرده است و در عین حال قوای کریم خان زند و فتحعلی خان دربندی را بر ضد ما تحریک می‌نماید. ترک‌ها با استفاده از تلاش خانات ایروان، از طریق وی به خانات دیگر هدایای زیاد فرستاده و خواستار کشاندن آن‌ها به طرف خودشان هستند.^{۳۳}

بدین ترتیب حکومت عثمانی جهت تقویت موقعیت و نفوذ خویش در ایروان، به طور مکرر سفرای خویش را در کسوت و به بهانه‌های مختلف به آن‌جا می‌فرستاد. همچنین این سفرا از طرف سلطان عثمانی هدایا و نامه‌های مختلفی نیز جهت خان می‌آوردند. سلطان عثمانی همچنین جهت تأثیرگذاری هر چه بیشتر بر حسینعلی خان برای وی خلعتی گران‌بها از پوست سمور، جواهرات، هدایایی همچون شمشیر مُزین به طلا، و دو هزار طلای اشرفی فرستاده بود.^{۳۳} در عین حال، حسینعلی خان نیز از سلطان عثمانی توقع دریافت کمک نظامی بر ضد حکومت کارتلی کاختی را داشت. وی با پاشاهای عثمانی، علی‌الخصوص با پاشای قارص و چلدر،^{۳۴} رابطهٔ نزدیکی داشت.^{۳۵} حسینعلی خان به امید اخذ کمک نظامی از سلطان عثمانی پرداخت مالیات سالیانه به حاکم کارتلی کاختی را متوقف کرد. این اقدام خان بی‌پاسخ نماند و تهاجم مجدد قوای ارایکلی دوم در سال ۱۱۸۳ ق. / ۱۷۶۹ م. به ایروان را در پی داشت.^{۳۶} خان با پناه گرفتن در قلعه مستحکم ایروان مقاومت سرسختانه‌ای را از خودش نشان داد. حاکم کارتلی کاختی از این یورش دست خالی بازگشت.^{۳۷} با این حال، حسینعلی خان هم نتوانست کمک مدّ نظر خویش را از سلطان عثمانی دریافت نماید. چرا که، در این زمان وضعیت عثمانی که درگیر جنگ با روس‌ها بود، به شدت وخیم بود. به این خاطر، خان ایروان برای پیشگیری از تهاجم مجدد ارایکلی دوم به قلمرو خویش به ناچار تن به مصالحه با حکومت کارتلی کاختی داد. در سال ۱۱۸۵ ق. / ۱۷۷۱ م. افسر روسی یازیکوف^{۳۸} در نامه‌ای به گراف

32. Qarayev, p. 44.

33. *Osmanlı Belgelerinde Karabağ*. Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı (İstanbul, 2009), pp.121-125; Qudsi Məhəmməd Muslum, *İrəvanlı Hüseynəli Xanın Məktubları, 1789-1791*. (AMEA TİEA, iş.7415), pp. 41-43.

۳۴. چلدر شهری است در مشرق قارص که از جنوب به ارزروم و از غرب به طرابوزان محدود است. چلدر تا سال ۱۲۹۴ ق. جزو دولت عثمانی بود اما از این تاریخ به بعد به تابعیت دولت روسیه درآمد؛ شمس الدین سامی، *قاموس اعلام*، ج ۳ (استانبول: مطبعه مهران، ۱۳۰۸)، ص ۱۸۷۸.

35. Qudsi, pp. 43-44.

36. Yerevantsi, p. 111.

37. Qarayev, p. 44.

38. Yazikov

پانین، اقدام خان ایروان را چنین آورده است:

خان ایروان با ارسال افراد خویش به نزد تزار ارایکلی دوم از وی درخواست مصالحه کرده است. به این صورت که با ورود قشون ما به خاک گرجستان، خان ایروان با جدا شدن از تزار ارایکلی با سلطان عثمانی نامه نگاری کرده است. از محتوای نامه وی بر می آید که ایشان برای حمله به گرجستان از سلطان درخواست قشون و پول کرده بود. لیکن به سبب اجابت نشدن درخواست و کمک‌های مد نظرش از سوی سلطان عثمانی، از روی ترس و نگرانی، مجدداً تحت تابعیت ارایکلی دوم قرار گرفته است. وی به تزار گرجی متعهد گردیده است که مالیات سال پیش را هم پرداخت کند.^{۳۹}

به این ترتیب، در سال ۱۱۸۵ق./۱۷۷۱م. میان خان ایروان و ارایکلی دوم مجدداً قرارداد صلح بسته شد. این بار حجم مبلغ پرداختی از سوی خان‌نشین ایروان به حاکم کارتلی کاختی ۳۰۰۰۰ روبل (۳۰۰۰ تومان) تعیین گردید.^{۴۰} حسینعلی‌خان هرچند که این بار هم از سر اجبار پرداخت مالیات به ارایکلی دوم را متعهد گردید، اما بار دیگر نشان داد که به هیچ وجه حاضر به پرداخت مالیات تحمیلی نیست. مطابق نوشته‌های سیمون ایروانی، در سال ۱۱۹۰ق./۱۷۷۶م. خان ایروان پرداخت مالیات به تزار کارتلی کاختی را متوقف و مجدداً نزاع و دشمنی میان طرفین شعله ور گشت.^{۴۱} در بروز دشمنی و خصومت طرفین چندین علت و عامل دخیل بودند. مارکوکوا، علت تیرگی روابط طرفین را تحت تأثیر دشمنی موجود میان کریم خان زند (۱۱۶۳-۱۱۹۳ق.) با ارایکلی دوم می‌بیند. سیاست روس گرایانه‌ی والی گرجی و کشاندن پای قشون روسی به خاک تفلیس، کریم خان زند را سخت عصبانی و خشمگین ساخته بود. روند رو به افزایش قدرت و نفوذ ارایکلی دوم در منطقه با تکیه بر حمایت‌های سیاسی و نظامی روس‌ها با سیاست‌های کریم خان زند در منطقه قفقاز نیز در تضاد کامل قرار داشت. همچنین حمایت ارایکلی دوم از مواضع سلطان عثمانی در روابط تنش‌زا میان دولت‌های عثمانی ایران، و ارسال تعداد زیادی نماینده در قالب سفراء و مأمورین عالی رتبه به دربار عثمانی به قصد نزدیکی به سال ۱۱۹۰ق./۱۷۷۶م. بر اختلافات طرفین دامن زد. همگی این عوامل، منجر به بروز تنش در روابط فیما بین حکومت کارتلی کاختی با کریم خان زند گردید.^{۴۲} کریم خان زند نیز به نوبه خویش در واکنش به اقدام حاکم گرجی، با اتخاذ تدابیر تلافی جویانه، خان ایروان را به خروج بر ضد حکومت کارتلی کاختی گرجستان تشویق کرد. خان زند که از نفوذ

39. Qarayev, p. 44.

40. Ibid.

41. Yerevantsi, p.387.

42. Маркова О.П. Россия, Закавказье и международные отношения в XVIII-XIX вв., (Москва, Наука, 1966), p. 154-156.

والی گرجی بر خانات قفقاز ناراضی بود، حسینعلی خان را تشویق به پرداخت نکردن باج و خراج به ارایکلی دوم نمود و متعهد به دفاع از قلمرو وی شد. خان ایروان نیز با اتکاء به حمایت‌های سیاسی و نظامی خان زند، پرداخت مالیات به ارایکلی دوم را بار دیگر متوقف ساخت.^{۴۳} علاوه بر این، دومین عامل اساسی مهمی که حسینعلی خان را از پرداخت مالیات سالیانه به والی کارتلی کاختی و از مداخله ارایکلی دوم در امور داخلی خانات ایروان باز داشت، سیاست‌های منطقه‌ای دولت عثمانی بود. به این ترتیب که پس از انعقاد مصالحه کوچک قینارچه، و به دنبال آن تشدید فعالیت‌های سیاسی نظامی روس‌ها در منطقه قفقاز جنوبی، ارایکلی دوم با اتکاء به حمایت روس‌ها، به فکر عملی کردن آرزوهای دیرینه‌اش یعنی تصرف ایروان انداخت. خوانین قفقاز با احتیاط از سیاست‌های تجاوزکارانه متحدین روس گرجی، باب مراوده با دربار عثمانی را گشودند. سلطان عثمانی نیز به نوبه خود با گسیل داشتن افرادی به منطقه برای مقابله با اتحاد روس گرجی، مسلمانان منطقه را به اتحاد بر ضد آنان فراخواند.^{۴۴} در کل، دولت عثمانی در قیاس با دیگر خانات قفقاز، برای خان نشین ایروان به سبب داشتن قلاع مستحکم و قوی و موقعیت سوق الجیشی، اهمیت خاصی قائل بود.^{۴۵}

همچنین باید خاطر نشان ساخت که دولت عثمانی پس از شکست‌های متوالی در مقابل روس‌ها و از دست دادن خانات کریمه و شمال قفقاز، پی برده بود که افزایش نفوذ و قدرت حاکم گرجی در خانات سرحدی ایروان، می‌تواند شرایط مطلوبی را برای بلوک روس گرجی جهت مبارزه بر ضد عثمانی‌ها فراهم نماید. به همین خاطر، سلطان عثمانی توجه خاصی به ایروان نشان می‌داد و دائماً تمامی تغییر و تحولات خانات ایروان را از طریق والیان سرحدی و فرماندهان نظامی زیر نظر داشت و در عین حال، از روند افزایش احتمال مداخله روس‌ها در ایروان از طریق تزار کارتلی کاختی، نگران بود.^{۴۶} به دستور سلطان عثمانی برای شناخت وضعیت سیاسی حاکم بر ایروان، سه بازرگان از شهر قارص به بهانه خرید گندم به طرف ایروان گسیل شدند. آن‌ها سکنه مسلمان ایروان را تشویق به مبارزه کردند و خبر انتقال تعداد زیادی اسلحه توپ و مهمات ارسالی از استانبول به قارص را جهت کمک به خوانین منطقه به خان ایروان نوید دادند.^{۴۷} در حالی که آرامنه ساکن بندر طرابوزان پیشتر اخبار انتقال مهمات و توپ‌های ارسالی از استانبول به قارص را به آرامنه ساکن ایروان و

43. Маркова О.П. Россия, p.141; Həsənov Əliyev, p. 60.

44. Nəcəfli, pp.37-38; Tofig Mustafazadə, "XVIII yüzillik-XIX yüzilliyin əvvəllərində Osmanlı-Azərbaycan münasibətləri", *Monoqrafiya*, (Bakı: Elm, 2002), pp.167-168.

45. Yaqub Mahmudov, *İrevan Xanlığı* (Bakı, 2010), p.173

46. Çakmak, pp. 89-94.

47. Saide Hacıeva, *İrevan (Revan) Türk Hanlığı ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri* (Ankara: Türkler, 2002), Cilt 7, pp. 64-72; Mahmudov, p.177.

روس‌ها رسانده بودند.^{۴۸} از محتوای برخی مکاتبات موجود میان سلطان عثمانی با خوانین قفقاز بر می‌آید که یکی از مسائلی که سلطان را به شدت ناراحت می‌کرد، مداخله و تهدیدات مکرر ارایکلی دوم نسبت به خانان ایروان بود. سلطان مصطفی سوم (۱۱۷۰-۱۱۸۸ ق. / ۱۷۵۷-۱۷۷۴)، در نامه‌ای به وزیرش ضرورت مذاکره و دیدار با وی جهت اتخاذ تدابیری برای ممانعت از این مداخله را متذکر می‌شود.^{۴۹} بدون تردید، نیت اشغالگرانه ارایکلی دوم نسبت به خانان ایروان دیگر خانان قفقاز را نیز نگران می‌ساخت. برای مثال خان شکی محمد حسن خان، در سال ۱۱۹۰ ق. / ۱۷۷۶ م. در نامه‌اش به سلطان می‌نویسد: اگر چنانچه «ارایکلی خان ابلیس سیما با احتساب حمایت از روس‌ها پیشقدم حمله در حدود ممالیک قفقاز خصوصاً ایروان» شود، خانان قفقاز و حکام داغستان جهت مبارزه با وی متفق القول خواهند شد.^{۵۰} وی همچنین در ادامه نامه آورده است: «واضح و معلوم است که ایران بی صاحب است و هر کس در مملکت خویش به تنهایی قادر به مقابله با روس‌ها نخواهد بود. فلذا همگی ما محتاج مرحمت و شفقت پادشاه هستیم.»^{۵۱} اجرای سیاست‌های داخلی ارایکلی دوم نیز نقش زیادی در برهم خوردن مناسبات میان کارتلی کاختی با ایروان داشت. به این صورت که، ارایکلی دوم برای پُر کردن خزینه تهی‌اش و اصلاح و سرو سامان دادن به اوضاع پریشان اقتصادی‌اش که ناشی از تهاجمات ویرانگر لژی‌های داغستان بود، هر بار خان ایروان را تحت فشار قرار داده و سعی در افزایش مبالغ مالیات دریافتی داشت. بوتکف مورخ روسی در این مورد می‌نویسد که اگرچه حسینعلی‌خان پرداخت مالیات سالیانه به مبلغ ۳۰۰۰ تومان به ارایکلی دوم را بر عهد داشت، اما بعدها حجم و مقدار مبالغ دریافتی این مالیات به چهل پنجاه هزار روبل (۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان) افزایش یافت.^{۵۲} خان ایروان زیر بار این افزایش تازه مالیات نفت و پرداخت مالیات را یکبار دیگر متوقف ساخت. به این ترتیب، ارایکلی دوم به سبب داشتن روابط تیره و مناقشه آمیز با دولت‌های ایران و عثمانی و همچنین با ملاحظه و احتیاط نسبت به تهاجم قوای خان زند و سلطان عثمانی، حمله به ایروان را تا مهیا شدن شرایط مساعد به تأخیر انداخت. با این حال، انتظار ارایکلی دوم زیاد طول نکشید. چرا که در سال ۱۱۹۳ ق. / ۱۷۷۹ م. کریم خان زند درگذشت و به دنبال مرگ وی در ایران مجدداً بر سر قبضه قدرت میان مدعیان نزاع و کشاکش شعله ور گشت که این امر

48. Hacieva, C.7, pp.64-72.

49. Mahmudov, p.174.

50. *Osmanlı Devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıqları Arasındaki Mnasibetlere Dair Arşiv Belgeleri 1578-1914* (Ankara, 1992), C. I, pp. 63-64.

51. Ibid.

52. Butkov, P.G, *Materialy Dlia Novoi Istorii Kavkaza 1722-1803*. V.II, (Petersburg, 1869), p.75.

بر وفق مراد والی تفلیس بود. برای همین در سال ۱۹۳ق/۱۷۷۹م. بار دیگر از خان ایروان طلب مالیات گذشته را نمود. وی به محض آگاهی از خودداری خان ایروان از مالیات درخواستی با یک قوای ۱۲ هزار نفری عازم ایروان شد.^{۵۳} بخش قابل توجهی از سکنه ایروان به محض انتشار خبر هجوم قشون کارتلی کاختی، به ولایت بایزید در خاک عثمانی فرار کردند. لشکر گرجی قلعه ایروان را به محاصر خویس درآورد. لیکن مقاومت و ایستادگی قدرتمندانه اهالی ایروان منجر به طولانی شدن مدت محاصره گشت.^{۵۴} ارایکلی دوم به سبب بروز عوامل داخلی و خارجی ذیل مجبور به عقب نشینی شد. طولانی شدن مدت زمان محاصره و مقاومت سرسختانه سکنه ایروان و همچنین نزدیک شدن فصل زمستان، نقشه ارایکلی دوم را برهم زد. ثانیاً زمینداران بزرگ منطقه کارتلی گرجستان از غیبت طولانی مدت وی استفاده کرده و با دعوت از شاهزاده الکساندر باکاراف^{۵۵} مقیم شیراز علیه وی طغیان به راه انداختند.^{۵۶} همچنین، فشارهای سیاسی نظامی والی چلدر نیز تأثیری زیادی در عقب نشینی قوای گرجی داشت. به این ترتیب که، در زمان محاصره قلعه ایروان از سوی قوای گرجی، حسینعلی خان از والی چلدر سلیمان پاشا، درخواست کمک نظامی کرد. سلیمان پاشا با تهدید حمله به تفلیس، ارایکلی دوم را به دست کشیدن از محاصره قلعه ایروان واداشت.^{۵۷} همچنین خان ایروان از احمدخان دنبلی، حاکم خوی که از پرنفوذترین حاکمان آذربایجان به شمار می‌رفت، کمک طلبید. احمد خان به همراه سایر حکام آذربایجان به حمایت از حسینعلی خان برخاست و به اتفاق نجفقلی خان حاکم تبریز، به یاری حاکم ایروان شتافت. ارایکلی خان، با اطلاع از حرکت این دو حاکم قدرتمند دست از محاصره ایروان برداشت و به تفلیس بازگشت.^{۵۸} متعاقب این حرکت، احمد خان در نامه‌ای خطاب به سلیمان پاشا والی چلدر، دفع ارایکلی را خاطر نشان ساخت و نوشت: «در باب الکای ایروان همین که از مصدر جاه و جلال صدراعظم مقرر شده بود، دوستدار حسبالمقرر اعزه و اعیان ایروان را در کمال اطمینان مستمال و خاطر جمع نموده نوعی امیدواری

53. Qarayev, p.46; Həsənov Əliyev, p. 60.

54. Yerevantsi, p. 387.

55. Aleksander Bakarov

۵۶. اسنادی روابط ایران و روسیه از صفویه تا قاجاریه، ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی (تهران:

انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷)، ص ۴۲۳-۴۲۲.

57. *Osmanlı Devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıkları Arasındaki Munasibetlere Dair Arşiv Belgeleri 1578-1914*, C.I, pp.74-75; Mustafazadə, pp.189-190.

۵۸. عبدالرزاق دنبلی، تجربه الاحرار و تسلیه الابرار، ج ۲، به کوشش حسن قاضی طباطبایی (تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ،

دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶)، ص ۲۱۰-۲۰۹.

حاصل که انشاءالله تعالی مادام الحیات فریفته خدعه و حیل کفره فجره نگردیده...»^{۵۹} اما، قشون گرجی در حین بازگشت به تفلیس اراضی خان را در معرض ویرانگری و تخریب شدید قرار داده و اسراء، اموال، و احشام زیادی را به یغما بردند.^{۶۰} با این حال، این تهاجم ویرانگر قشون گرجی، برای خانان ایروان به بهای سنگین تمام شد و منجر به بروز قحطی گردید.^{۶۱}

حسینعلی خان، با تکیه بر حمایت سیاسی نظامی دولت عثمانی استرداد اسراء را از والی گرجستان مطالبه نمود. ارایکلی دوم، هرچند در اوایل به این تقاضای خان ایروان وقعی ننهاد. اما، با مشاهده حمایت‌های دولت عثمانی از خان ایروان، یک سیاست نرمی را در برابر خان ایروان اتخاذ کرد. چرا که، سلطان عثمانی فرمان هر نوع کمک درخواستی به خان ایروان را به تمامی پاشاهای شرقی ابلاغ کرده بود. در انعقاد تفاهم نامه صلح میان حاکم کارتلی کاختی با خان ایروان، والی چلدر نقش زیادی ایفا کرد. بدین گونه که حسینعلی خان، حاکم چلدر را در روند امور مذاکرات صلح همچون یک واسطه مشارکت داد.^{۶۲} سلیمان پاشا، هم به نوبه خویش در روند مذاکرات صلح طرفین نقش فعالی داشت. لازم به یاد آوری است که، در شکل گیری و تحکیم مناسبات خانان قفقاز با دولت عثمانی ولایت‌های سرحدی، از جمله ولایت چلدر و حاکم‌اش سلیمان پاشا نقش مهمی داشتند.^{۶۳} غلامعلی خان، که پس از مرگ پدرش حسینعلی خان حاکم ایروان شد در نامه ارسالی خویش به سلطان عثمانی به مورد فوق اشاره کرده و آورده است که: «در طی سال‌های گذشته ... در نتیجه تلاش و اقدامات وزیر عظیم الشان و حاکم ولایت چلدر سلیمان پاشا، با گرجستان در خصوص سرحدات قرارداد صلح منعقد گردید.»^{۶۴} بدین ترتیب، در سال ۱۹۵۱ق. / ۱۷۸۱م. بر اساس شرایط زیر میان طرفین قرارداد صلح بسته شد و حسینعلی خان سالیانه پرداخت مبلغ ۳۰۰۰۰ روبل (۳۰۰۰ تومان) به عنوان مالیات به ارایکلی دوم را بر عهده گرفت.^{۶۵} علاوه بر این، خان ایروان در صورت لزوم مجبور به کمک نظامی به ارایکلی دوم گردید. خان‌های ایروانی همچنین منبعده جهت تعیین وارثان و جانشینان بعدی خویش می‌بایست از سوی تزار گرجی تأیید و تصدیق گردند. والی تفلیس نیز در مقابل پرداخت خراج متعهد به تأمین و تضمین تمامیت ارضی خانان ایروان شده و همچنین

۵۹. محمدرضا نصیری، «چند سند تاریخی»، بررسی‌های تاریخی، سال دوازدهم، شماره ۳ (۱۳۵۶)، ص ۱۷۰-۱۳۳.
60. Qarayev, p. 48
61. Ibid.
62. Qudsi, p. 91; Mahmudov, p.174
63. Nəcəfil, p. 26
64. Qudsi, Ibid. ;Mahmudov, Ibid.
65. Butkov, V.I, p. 75

متعهد به بازگرداندن اهالی ایروان شد. در نتیجه قرارداد صلح بخشی از اسرا به ایروان بازگشتند.^{۶۶}

قرارداد گیورگیوفسک و تأثیر آن بر سیاست خانات ایروان در قبال گرجی‌ها و دولت عثمانی

بروز اغتشاش و اضطراب در ایران به گرجیان امکان داد تا به طور مقطعی به عمده‌ترین قدرت قفقاز جنوبی تبدیل شوند. ارایکلی دوم (۱۱۶۰-۱۲۱۳ق./۱۷۴۷-۱۷۹۸م.) خانات ایروان و گنجه را خراجگزار خود ساخته بود. وی بدین امر واقف بود که این اقدام‌اش موجب تحریک همسایگان خواهد شد و نیز نیک می‌دانست که زمامداری قدرتمند در ایران نه تنها سیطره ایران را بر قفقاز برقرار خواهد ساخت، بلکه تلاش خواهد کرد تا گرجستان را همانند سابق در حلقه دست نشاندۀ سابق در آورد. همچنین وی به سبب نداشتن متفق قدرتمند منطقه‌ای و با مشاهده حمایت‌های دولت عثمانی از خوانین قفقاز، علی‌الخصوص خانات ایروان، درصدد یافتن متحدی نیرومند بر آمد. با در نظر گرفتن ملاحظات جغرافیایی و مذهبی، روسیه منطقی‌ترین انتخاب بود.^{۶۷} علاوه بر این وی با اجرای سیاست تجاوزکارانه خویش بر اراضی خانات گنجه، ایروان، و نخجوان خشم دولت‌های منطقه از جمله امپراتوری عثمانی، خوانین قدرتمند آذربایجان و حاکمان محلی داغستان را به جان خریدۀ بود و همواره با هراس به اتحاد قوای مسلمانان منطقه با عثمانی می‌نگریست.^{۶۸} حاکم گرجی که دولت عثمانی را مهم‌ترین مانع اشغال خانات ایروان می‌دید، برای اخذ کمک‌های نظامی از روس‌ها پیشنهاد تحت‌الحمایگی‌اش را ارائه داد. با وجود این، پیشنهاد ارایکلی دوم چندان توجه جدی روس‌ها را برنیا نگیخت تا این که جنگ ۱۱۸۲-۱۱۸۸ق./۱۷۶۸-۱۷۷۴م. بین روسیه و عثمانی موقعیت سوق‌الجیشی گرجستان را نمایان ساخت. مذاکرات برای انعقاد پیمان اتحاد در سال ۱۱۹۷ق./۱۷۸۳م. با امضای معاهده گیورگیوفسک^{۶۹} توافقی حاصل گشت که به موجب آن روسیه اختیار سیاست خارجی گرجستان را در قبال به رسمیت شناختن خاندان ارایکلی به عنوان تنها حاکمان قانونی آن کشور، به دست می‌گرفت. گرجستان پس از به دست آوردن تحت‌الحمایگی روسیه پیوندهای خود را با ایران گسست و گروه کوچکی از نیروهای روسی، برای دفاع از مسیحیان که در میان همسایگان مسلمان محصور بودند، وارد تفلیس شد.^{۷۰} انعقاد قرارداد گیورگیوفسک

66. W.E.D. Allen, *A History of the Georgian People* (London, 1971), pp.196-203; Qudsi, p.75.

67. Butkov, V. I, pp. 70-80.

68. Qarayev, p. 54.

69. Georgiyevsk

70. Bournoutian, p.19.

میان روس‌ها و گرجیان، هیاهوی زیادی را در منطقه به پا کرد و دولت‌های همجوار را سخت به تشویش انداخت. این حادثه همچنین مناسبات نه چندان حسنه‌آرایکی دوم با دولت‌های منطقه‌ای را بیش از پیش بحرانی و وخیم کرد.^{۷۱} یکی از مواد جنجالی قرارداد گیورگیوفسک که خوانین قفقاز را سخت به تشویش انداخت، ذکر اسم آرایکی دوم به شکل پُرطمطراق در مفاد قرار مذکور بود. در این قرارداد اسم حاکم کارتلی کاختی گرجستان چنین آورده شده بود: «... متاواری ایروان (یعنی کنیاز، حاکم)، متاواری گنجه، متاواری شماخی، متاواری شیروان».^{۷۲} تزار گرجی در هیچ دوره‌ی زمانی صاحب نفوذ و قدرت در شماخی نبود. از طرف دیگر، خانان گنجه و ایروان به صورت ظاهری و در برخی مواقع تحت تابعیت حاکم گرجی قرار داشتند و این وضعیت دست‌نشاندهی نیز تنها محدود به پرداخت مالیات بود.^{۷۳} قرارداد گیورگیوفسک مجدداً رقابت روس عثمانی را در منطقه تشدید کرد. رقابت طرفین، بیشتر از طریق بازیگران طرفدار آنان در منطقه قفقاز به اجرا در می‌آمد. دوبروین، سیاست دولت عثمانی را در قفقاز در این خصوص، چنین بیان می‌کند:

دولتمردان عثمانی نه این‌که از ورود قشون ما به گرجستان راضی نبودند ... حتی با دریغ نکردن صرف پول و هدیه در تلاش بودند تا حاکمان همسایه را بر ضد گرجستان تحریک نمایند. دولت عثمانی تا آن حد خواهان ویرانی گرجستان بود که دیگر نتواند ارزاق و آذوقه قشون روس را تأمین کند و با تشویق یورش دائمی حاکمان همسایه به آن‌جا، در صدد منصرف کردن آرایکی دوم از حمایت و پشتیبانی دولت روسیه بود. دولت عثمانی با اعزام ایلچیان خود در کسوت سیاح و تاجر در بین تمام مسلمانان منطقه، سعی داشت آنان را قانع کند که روس‌ها به آرایکی دوم اشغال تمام ایران را وعده داده‌اند.^{۷۴}

بلافاصله پس از انعقاد این معاهده، روسیه برای عملی کردن طرح‌های استعماری خویش شروع به برداشتن گام‌های عملی نمود. از عوامل اساسی دیگر که تزاریس کاترین دوم را به اتخاذ چنین اقدام قاطعی سوق داد، افتادن حاکمیت مرکزی ایران به دست علی مرادخان زند پس از مرگ کریم خان بود. علی مرادخان زند برای تحکیم پایه‌های متزلزل حاکمیت خویش درصدد اخذ کمک از روس‌ها برآمد. وی در قبال به رسمیت شناخته شدن‌اش به عنوان شاه ایران، وعده‌آگذاری خانان قراداغ، قراباغ، نخجوان، و ایروان را به روسیه داده بود.^{۷۵} علی مرادخان در عین حال در تکاپو بود

71. Qarayev, p. 54.

72. Ibid., p.55

73. Ibid.

74. Dubrovin N. *History of the War and Russian Rule in the Caucasus* (Petersburg, 1886), p. 83.

۷۵. احمد جودت پاشا، تاریخ جودت، ج ۱ (استانبول: مطبعه عامره سی، ۱۲۹۶)، ص ۱۵۸؛ بوریس بالایان، «یک طرح ایرانی برای

برپائی استقلال ارمنستان»، ترجمه ادیک باغدرسایان، فصلنامه آپاگا، ایران نامه، شماره ۲، بی تا، ص ۸-۱.

تا جلوی مداخلات دولت عثمانی در امور داخلی خانات قفقاز را بگیرد. وی در مکتوب خویش به سلطان عثمانی حمایت‌اش را از ارایکلی دوم و روسیه اعلان کرده بود.^{۷۶} در سال ۱۹۷ق. / ۱۷۸۳م. فرمانده روسی کل ولادی قفقاز، پوتمیکین با ارسال فرمانی به خوانین قفقاز و حکام داغستان تحت‌الحمایگی والی کارتلی کاختی را به روسیه اعلان کرده و آن‌ها را هم به اتخاذ چنین حرکتی تشویق و ترغیب کرد.^{۷۷} وی برای رساندن فرامین‌اش به خوانین منطقه، گراف آپراکسین^{۷۸} و کنیاز چلکایف^{۷۹} را روانه تفلیس کرد.^{۸۰}

پس از عقد معاهده گیورگیوفسک، میان دولت‌های عثمانی و روسیه بر سر خانات ایروان مبارزه شدت گرفت. برخی از خوانین قفقاز که روابط نزدیکی با دولت عثمانی داشتند، از جمله حسینعلی‌خان ایروانی، با احتیاط نمودن از دولت روسیه مناسبات خود را با دولت عثمانی کاهش دادند. چرا که ایشان پس از منازعات و نبردهای متوالی با حکومت کارتلی کاختی، درگیر احیاء و برپایی زمین‌های مخروبه و سرکوب شورش‌ها و ناآرامی‌های ضد حاکمیت‌اش بود، سعی کرد از این تضاد منافع دولت‌های منطقه‌ای نهایت استفاده را نماید و با اتخاذ موضع بی طرفانه، با هر دو طرف نامه نگاری کرده و برای حفظ مناسبات دوستانه تلاش می‌کرد.^{۸۱} چنان‌چه حسینعلی‌خان ایروانی و دیگر خوانین قفقاز با عدم درک درست از سیاست استعماری روسیه تزاری به وعده و وعیدهای تزار اعتماد نموده و با ساده لوحی به روس‌ها امید بسته بودند.^{۸۲} به خاطر همین، دولت عثمانی در تلاش بود که با ارسال فرامین و هدایا به خوانین قفقاز از طریق سلیمان پاشا والی چلدر، تمایلات روس‌گرایانه آن‌ها را متوقف سازد.^{۸۳} اما، خان ایروان از نمایندگان سیاسی هر دو دولت به یک اندازه استقبال و پذیرایی می‌کرد. حتی نزدیکی والی گرجستان به روس‌ها در سال ۱۹۷ق. / ۱۷۸۳م.، یک نوع حس طرفداری نسبت به روس‌ها را در خانات ایروان به وجود آورده بود. نهایتاً، حسینعلی‌خان از پذیرفتن هدایایی که دیگر خوانین قفقاز از طرف دولت عثمانی برای وی آورده بودند، امتناع نموده و در مورد ابراز وفاداری نسبت به دولت عثمانی هم رفتاری

76. Mustafazadə, pp. 53-54.

77. Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası A. Bakıxanov Adına Tarix İnstitutunun Elmi Arxivi (AMEA Tİ EA): İş 7747, p.181

78. Apraksin

79. Çelokayev

80. Qarayev, p.56

81. Mahmudov, p. 177

82. Nəcəfli, p.39

83. Ibid.

توأم با سردی و بی میلی از خودش نشان داد.^{۸۴} علاوه بر این اقدام، وی همچنین از حکومت مرکزی ایران نیز در صورت حمله احتمالی قوای عثمانی به قلمروش در خواست کمک کرد.^{۸۵} روس‌ها نیز در اواخر سال ۱۷۸۲م. دکتر رینیگس^{۸۶} پزشک فرانسوی الاصل را با هدف جاسوسی به خانان ایروان اعزام نمودند. وی موفق شد با جلب اعتماد حسینعلی‌خان نقشه قلعه ایروان را به دست آورد.^{۸۷} حکومت روسیه در ادامه با هدف اطاعت و تمکین خان ایروان از حاکم گرجستان در سال ۱۱۹۷ق./۱۷۸۳م. گراف آپراکسین را به ایروان گسیل داشت.^{۸۸} مورخان عثمانی نیز اعتراف می‌کنند که: «... مهندسان روسی اعزامی به اراضی ایروان، از طرف حسینعلی‌خان خان ایروان، با خشنودی و با آغوش باز پذیرایی و استقبال شدند.»^{۸۹} از سوی دیگر، در نامه ارسالی حسینعلی‌خان به ارایکلی دوم این موضوع به وضوح قابل مشاهده است. چنان‌چه، وی در مراسم و جشن‌های خاص و عادی به ارایکلی دوم هدایایی از قبیل لباس‌های رزم، انواع مختلف البسه، اسب، و اشتر و مانند آن ارسال می‌کرد و در مکاتباتش از دوستی و صداقت و وفاداری‌اش بحث می‌کرد.^{۹۰} حتی وی، در مناقشه میان احمدخان خویی و حاکم کارتلی کاختی مداخله نکرده و مواضع‌اش را طی نامه‌ای خطاب به خان خوی چنین آورد:

... در این کشور (خانان ایروان) انجام مسائل جاری و یک سری از امور خاص بدون کسب اجازه و رضایت اعلی حضرت (تزار گرجی) ممکن نیست ... مناسبات دوستی و صلح میان شما هنوز هم بر روی ستون‌های محکم استوار نیست. مناقشه و خصومتی که میان شما کماکان ادامه دارد ... می‌تواند منجر به ناراحتی و رویگردانی والی از من گردد و با بهانه قرار دادن این، از دوستی ما دست کشیده و به انجام کارهای مغایر منافع ما دست بزنند.^{۹۱}

حسینعلی‌خان همچنین مایل به تیره شدن روابطش با روس‌ها نبود. وی در سال ۱۱۹۷ق./۱۷۸۳م. نامه زیرکانه و چاپلوسانه‌ای را به پوتمیکین فرستاد و در آن نوشت:

فرمان مبارکی که با روح پر عطوفت و صمیمانه خطاب به بنده حقیر تحریر شده است ... از طریق مایور گراف آپراکسین به ما رسید در فرمان اتحاد با شاه عظیم‌الشان ارایکلی دوم، خدمتگزاری و اطاعت

84. BOH., Hatt-i Hümayun, Nr. 860.

85. Ibid, Nr. 82.

86. Reyneks

87. Qarayev, p. 57.

88. Ibid.

90. Qudsi, pp. 91-92, 93-99.

91. Ibid., p. 31

و فرمانبرداری از ایشان درخواست شده است کشور ما با متمایز بودن از دیگر خان نشین های قفقاز و هم مرزی با گرجستان، در تمامی کارها با همین دولت هم رنگ شده و این امر منجر به سرمست شدن در باده صمیمیت و قدرت این دولت گردیده است.^{۹۲}

دولت عثمانی که می دید در چند مورد از جمله در تضمین استقلال لهستان و حمایت از شبه جزیره کریمه شکست خورده است و روسیه با نفوذ خود در گرجستان و با جلب حمایت ارایکلی دوم مقاصد توسعه طلبانه خود را تعقیب می کند، برای جلب حمایت حکام قفقاز که در همجواری گرجستان بودند، با ارسال نامه ها و هدایا، حکام آذربایجان را به اتحاد و مقابله با هر گونه تجاوز به سرزمین های اسلامی بر ضد روس ها دعوت نمود.^{۹۳}

تحت الحمایه قرار گرفتن حاکم کارتلی کاختی همچنین موجب ناراحتی و نگرانی جدی خوانین قدرتمند آذربایجان همچون ابراهیم خلیل خان قراباغی، فتحعلی خان دربندی، و احمدخان دنبلی را به وجود آورد. فتحعلی خان دربندی به مداخله تزار ارایکلی دوم در امور داخلی خانان ایروان اعتراض نموده و در این مورد به کاترین دوم شکایت نموده و در سال ۱۷۸۲/۱۹۶ق. در نامه خویش از مداخله ارایکلی دوم در امور داخلی خانان قفقاز، علی الخصوص خانان ایروان و اخذ مالیات، ابراز ناراحتی کرده بود.^{۹۴} خوانین فوق الذکر با ترس و واهمه از اشغال احتمالی خانان ایروان توسط قشون روس گرجی، رابطه شان را با دربار سلطان عثمانی حفظ کردند. احمد خان خوئی رقیب اصلی تزار کارتلی کاختی در منطقه، برای جلوگیری از قدرت رو به تزاید تزار ارایکلی دوم، بیش از پیش فعال شد. سلطان عثمانی نیز از سیاست منطقه ای وی حمایت می کرد. دولت عثمانی در یکی از فرامین خویش برای دفاع از ایروان، خوانین آذربایجان را به گردآمدن در اطراف احمدخان دنبلی و تشکیل اتحاد فرا خواند.^{۹۵} در فرمان سلطان آمده بود که، «سربازان روس و گرجی تصرف ولایت های ایران و عثمانی به ویژه قلعه ایروان را در نظر دارند و اگر با هدف استیلاء دست به اقدام بزنند، خوانین آذربایجان تحت فرماندهی احمد خان دنبلی عالیمقام اقدام به مقاومت و مبارزه مشترک بنیدند.»^{۹۶} سلطان، در عین حال، با ارسال فرامین به حاکمان آناتولی، ارزروم، قارص، بایزید، چلدر، و آخسقه در صورت حمله قشون روس گرجی به خانان ایروان، دستور کمک به

92. Qudsi., pp. 115-116.

۹۳. محمد رضا نصیری، «مناسبات خانان آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر زنده،» مجله پیک نور (ضمیمه زمستان ۱۳۸۴)،

ص ۶۳-۷۴

94. Qarayev, p.58

۹۵. ریاحی، ص ۱۵۷.

96. Qudsi, p. 73

حسینعلی‌خان را به پاشاهای مزبور صادر کرده بود.^{۹۷} از سوی دیگر، سلطان عبدالحمید عثمانی برای جلب حسینعلی‌خان به طرف خویش با ارسال فرمان مخصوصی لقب بیگلربیگی یکی از ولایت‌های آناتولی را به وی اعطاء کرد.^{۹۸} خان ایروان نیز به نوبه خویش با سلطان و پاشاهای آناتولی مکرر نامه نگاری می‌کرد. از محتوای مکاتبات وی به سلطان و پاشاهای آناتولی معلوم می‌شود که حسینعلی‌خان با وجود گرایش به گرجی‌ها با دولت عثمانی رابطه‌اش را کماکان حفظ کرده بود.^{۹۹} خان ایروان برای حفظ استقلال و حاکمیت خویش، با هدف دور کردن تهدیدات سنگین روسیه یک بار دیگر به دولت عثمانی رو آورد. عثمانی‌ها که سعی در حفظ منافع خویش در قفقاز جنوبی داشتند، نسبت به درخواست حاکم ایروان بی توجه نمانده و برای تحریک احساسات دینی و قومی وی نامه‌ای ارسال و خاطر نشان ساختند که:

شما ایروانی‌ها در اصل ترک هستید، اگر نیروهای اهریمنی به قلعه ایروان حمله کنند شما بایستی از شریعت مسلمانان دفاع و محافظت کنید. سلطان، در خصوص دفاع از شما در هر زمان به پاشاهای قارص و بایزید قدرت اختیار عمل داده است. از ادوار بسیار قدیم ما با همدیگر دوست و همسایه بوده‌ایم. ما هر زمان برای دفاع از قوانین شریعت آماده هستیم.^{۱۰۰}

همچنین پاشای قارص در نامه خویش به حسینعلی‌خان نوشت: «... بر اساس دستور حسن بیگ وزیر سلطان اعظم ما از طریق قاپوچی باشی محمد سلیم بیگ، به شما و دیگر خوانین آذربایجان پول و هدایا فرستادیم. پس از مدت زمان کوتاهی شما آن‌ها را از والی چلدر سلیمان پاشا، دریافت خواهید کرد. با استعانت از خداوند متعال، ما هر زمان با شما دوست خواهیم ماند و این دوستی را به هر صورتی باید حفظ کنیم. هر آن‌چه که نیاز دارید امر فرمایید.»^{۱۰۱}

نیات استعماری روسیه تزاری برای عملی کردن اشغال قفقاز جنوبی از طریق حاکم گرجی، برای دربار عثمانی معلوم بود. به همین سبب، سلطان عثمانی در نامه دیگر به خان ایروان نوشت: «بر طبق گزارش‌های واصله، تزار تفلیس با پیوستن به روسیه سعی در برهم زدن روابط خانات قفقاز با یکدیگر و جلب گرایش آن‌ها به طرف روس‌ها را دارد.... شما برای پیوستن به ما اهتمام نمائید و برای شکست دادن دشمن متحد شوید. هدف ما این است که ارایکلی دوم نتواند به شما

97. Маркова, p. 203; *Osmanlı Devleti ile Azerbaycan Türk Hanlıqları Arasındaki Munasibetlere Dair Arşiv Belgeleri 1578-1914*, C. I, pp.102-103

۹۸. جودت پاشا، ج ۶، ص ۱۸۰.

99. Qarayev, p. 58

100. Hacıeva, C.7, pp. 64-72; Mahmudov, p.177

101. Ibid.

آسیبی وارد کند.^{۱۰۲} با این حال، روابط خانان ایروان با دولت عثمانی همیشه هم حسنه و دوستانه نبود. پاره‌ای اقدامات خودسرانه برخی پاشاهای سرحدی عثمانی منجر به بروز جنگ و ستیز میان طرفین می‌شد. برای مثال، در تابستان سال ۱۱۹۶ ق. / ۱۷۸۲ م. میان خانان ایروان و ولایت بایزید منازعه ویرانگری شروع شد. بدین ترتیب که، در دوره حکمرانی حسینعلی‌خان حاجیان ایروانی در حین بازگشت از زیارت مکه مقدسه در ولایت ارزروم توسط حاکم آن‌جا محبوس و اموال‌شان غارت شد. حاکم ارزروم، پس از اخذ باج ۲۰۰ تومانی از هر نفر حاجی ایروانی و مصادره اسبان، عرابه‌ها، البسه، و اشیای زینتی دیگرشان آن‌ها را آزاد ساخت. این حادثه مناسبات میان خان ایروان با حکومت عثمانی را تیره و پُرتنش ساخت. حسینعلی‌خان با ارسال نامه‌ای به سلطان عثمانی، از وی خواستار ممانعت از اقدامات خودسرانه حاجی علی پاشا حاکم ارزروم و بازگرداندن اموال توقیفی حاجیان ایروانی را تقاضا نمود.^{۱۰۳}

ارایکلی دوم با مشاهده گرایش مجدد خان ایروان به دولت عثمانی، برای سرنگونی وی با محمد حسن خان برادرش وارد توطئه مخفیانه شد.^{۱۰۴} اما در سال ۱۱۹۷ ق. / ۱۷۸۳ م. حسینعلی‌خان بر اثر عارضه بیماری درگذشت.^{۱۰۵} بر اساس وصیت خان، بر تخت حاکمیت ایروان فرزند ارشد ذکور وی غلامعلی‌خان قاجار ۱۵ ساله نشست.^{۱۰۶} مرگ حسینعلی‌خان وضعیت سیاسی خانان را تشدید کرد. حاکم تفلیس با مغتنم شمردن مرگ حسینعلی‌خان قوای گرجی را به ایروان گسیل داشت. لیکن قوای گرجی در حوالی ایروان با مطلع شدن از جلوس غلامعلی‌خان بر تخت ایروان، مجبور به بازگشت به تفلیس شد.^{۱۰۷} بدین ترتیب، حاکم گرجی با تکیه بر حمایت روسیه، نتوانست نقشه‌اش را راجع به تصرف ایروان در دوره حاکمیت حسینعلی‌خان عملی کند.

نتیجه‌گیری

با ضعف قدرت نظارتی زندیه در قفقاز، حکومت محلی کارتلی کاختی گرجستان با بهره‌گیری از فتور سیاسی و کشمکش‌های داخلی حاکم در ایران، با حمایت‌های روسیه به قدرت مسلط منطقه تبدیل شد و با هدف گسترش مرزهای جغرافیایی به تعرض به سوی سرزمین‌های خانان ایروان

102. Hacieva, C.7, pp. 64-72.

103. Qudsi, pp. 121-122.

104. Aliyeva, Hasanov, p. 69.

105. Ibid.

106. Mahmudov, p. 28.

107. Aliyeva, Hasanov, pp. 69-70.

دست زد. کسب منافع تجاری و اقتصادی، انگیزه بروز درگیری طرفین را تداوم می‌بخشید. چرا که موقعیت خاص جغرافیایی خانات ایروان به سبب قرار گرفتن در تقاطع راه‌های تجاری و موقعیت سوق‌الجیشی، همواره طمع دولت‌های همجوار را برای در اختیار گرفتن این اراضی دامن می‌زد و شهر ایروان در کانون مرکزی راه‌های منشعب شده از قفقاز و در مسیر راه‌های امپراتوری عثمانی و ایران قرار داشت. در اختیار گرفتن چنین مسیر ترانزیتی تجاری، منافع و عواید سرشاری را نصیب حاکمان این مناطق می‌کرد. همچنین استقرار آرامنه در مرزهای سیاسی خانات ایروان و روابط مخفی آنان با گرجی‌ها و روس‌ها در تشدید زمینه‌های درگیری مؤثر بود. حاکمان گرجی با استفاده از حمایت دولت روسیه تزاری با دستاویز قرار دادن حمایت از اقلیت آرامنه ساکن ایروان و کلیسای اچمیادزین، به تجاوز گسترده خویس بر قلمرو خانات ایروان مشروعیت می‌بخشیدند. بدین ترتیب گرجی‌ها در دوره حکومت ارایکلی خان دوم با اتخاذ سیاست توسعه طلبی ارضی و با هدف تصاحب قلمرو خانات ایروان، وارد جنگ‌های مداوم با حسینعلی‌خان ایروانی می‌شدند. در واقع، یکی از دلمشغولی‌های بزرگ حسینعلی‌خان ایروانی از برقراری روابط با دولت‌های همجوار، خنثی‌سازی حملات و مداخلات حاکم کارتلی کاختی بود. خان ایروان در اوایل حکمرانی خویس به جهت تحکیم پایه‌های حکومتی خویس مجبور شد امتیازات قابل توجهی به تزار گرجی بدهد تا از تهاجم آن‌ها به قلمرو خویس بکاهد. حسینعلی‌خان بعد از ایجاد ثبات داخلی و برای خارج شدن از تابعیت گرجی، بهترین راه برای افزودن بر قدرت و تأمین استقلال خانات را یافتن متحدی در بین دولت‌های همجوار دانست. عثمانی گزینه مناسبی به نظر می‌رسید. زیرا، در مجاورت ایروان قرار داشت و از اعمال نفوذ حکومت گرجی‌ها بر ایروان ناراضی بوده و خواستار توقف سلطه آنان بود. از این‌رو، خان ایروان روابطش را با حکومت عثمانی بهبود بخشید تا در صورت نیاز، از نیروی آن‌ها علیه گرجی‌ها استفاده نماید. در شکل‌گیری روابط سیاسی طرفین، نقش اصلی را والیان سرحدی، علی‌الخصوص پاشاهای چلدر و قارص، ایفا می‌کردند. اما، پیوند سیاسی حسینعلی‌خان با حکومت‌های عثمانی پایدار نبود. او با مشاهده حضور قدرت کریم خان در منطقه، تغییر موضع داده و رو به ایران آورد. کریم خان زند برای اعاده و تثبیت حاکمیت مجدد ایران بر آن سوی رود ارس و جهت مقابله با قدرت نمایی و مداخله‌های ارایکلی‌خان در قلمرو خانات ایروان، تهدید به عملیات نظامی بر ضد ارایکلی نمود و حسینعلی‌خان را نیز به عدم اطاعت از او و پرداخت نکردن باج و خراج ترغیب کرد. این اقدام کریم خان منجر به گرایش خان ایروان به حکومت زندیه گردید. لیکن با مرگ خان زند و ضعف و فتور داخلی متعاقب جنگ‌های جان‌شینی و دیگر مدعیان قدرت،

بار دیگر خان ایروان جهت خنثی سازی تهدیدات گرجی‌ها و حفظ تمامیت اراضی خویش رو به عثمانی آورد. اما پیروزی روس‌ها بر دولت عثمانی، توازن قدرت نظامی سیاسی را در منطقه قفقاز به نفع گرجی‌ها تغییر داد. شکست‌های مکرر عثمانی‌ها از روس‌ها و ضعف نظام سیاسی حکومت زنده، حکومت گرجستان را مجدداً به تهاجم بر سرزمین‌های ایران تحریک نمود. روس‌ها هم پس از انعقاد معاهده گیورگیوفسک با گرجستان به عنوان متحد گرجی‌ها، نیروهای نظامی خود را برای همراهی با قوای ارایکلی روانه کردند. در واقع، مهم‌ترین هدف روس‌ها از حمایت از عملیات جنگی گرجی‌ها تصرف ایروان و تبدیل آن به پایگاه و مرکز سیاسی و اقتصادی و تشکیل حکومت ارمنی در این نقطه قفقاز بر ضد دولت‌های ایران و عثمانی بود. بدین ترتیب، پیوندهای سیاسی حسینعلی‌خان با حکومت‌های پیرامونی پایدار نماند و با نظر داشت منافع خویش و حضور قدرت‌های برتر در منطقه، مدام تغییر موضع داد و از دولتی به دولت دیگر گرایش یافت تا بدین نحو استقلال حکمرانی خویش را تأمین نماید.

کتابنامه

- اسنادی از روابط ایران و روسیه (از صفویه تا قاجاریه). ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۷.
- باکیخانوف (آقادسی)، عباسقلی. گلستان ارم. مهدی کریمی (ویراستار). تهران: چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۲.
- بالایان، بوریس، «یک طرح ایرانی برای برپایی استقلال ارمنستان»، ترجمه ادیک باغدسایان، فصلنامه آباگا، ایران نامه، شماره ۲، بی تا. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پورصفر، علی. حکومت‌های محلی قفقاز در عصر قاجار. تهران: موسسه فرهنگی پژوهشی چاپ و نشر نظر، ۱۳۷۷.
- جودت پاشا، احمد. تاریخ جودت. جلد یکم و ششم. استانبول: مطبعه عامره سی، ۱۲۹۶.
- دنبلی، عبدالرزاق. تجربه الاحرار و تسلیه الابرار. به کوشش حسن قاضی طباطبایی. تبریز: موسسه تاریخ و فرهنگ دانشگاه تبریز، ۱۳۴۶.
- ریاحی، محمد امین. تاریخ خوی. تهران: طرح نو، ۱۳۷۸.
- رهبرین، میثایل کلاوس. نظام ایالات در دوره صفویه. ترجمه کیکاوس جهاندار. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.
- راسم، احمد. رسملی و خریطلی عثمانلی تاریخی. ج ۳. استانبول: صاحب و ناشری اقبال کتابخانه سی حسین، ۱۳۲۷-۱۳۲۹.
- سامی، شمس الدین. قاموس اعلام. استانبول: مطبعه مهران، ۱۳۰۸.

گوگچه، جمال. *قفقاز و سیاست‌های امپراتوری عثمانی*. ترجمه وهاب ولی. تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۳.

گلستانه، ابوالحسن بن محمد امین. *مجم‌التواریخ*. به سعی و اهتمام مدرس رضوی. تهران: ابن سینا، ۱۳۴۳.
گیلانتر، پطرس دی سرکیس. *سقوط اصفهان*. ترجمه محمد مهریار. اصفهان: نشر گلها، ۱۳۷۱.
نصیری، محمدرضا. «چند سند تاریخی». *بررسی‌های تاریخی*. سال دوازدهم. شماره ۳. تابستان ۱۳۵۶. ص ۹۳-۱۱۸.

_____. «مناسبات خانات آذربایجان با دولت عثمانی در اواخر زندیه». *مجله بیک نور*. ضمیمه زمستان ۱۳۸۴. ص ۶۱-۷۲.

موسوی نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق. *تاریخ گیتی گشا*. به اهتمام سعید نفیسی. تهران: انتشارات اقبال، ۱۳۶۳.

Azərbaycan Milli Elmlər Akademiyası A. *Bakixanov Adına Tarix İnstitutunun Elmi Arxivi* (AMEA Tİ EA): İŞ 7195, İŞ 7747, İŞ 1795.

Əliyev, F, U.hasanov, *Irevan Xanlığı*, Bakı,1997.

Əliyev F. Əliyev M. Naxçıvan xanlığı (1747-1728). *Bakı: Azərbaycan Dövlət Nəşriyyatı*, 1996.

Allen,W. E. D. *A History of the Georgian People*. London, 1971.

Başbakanlık Osmanlı Arşivi (BOA). (Nr. 879), (Nr. 860), (Nr. 82), (Nr. 181).

Bournoutian G. A. *The Khanate of Erevan under Qajar Rule 1795-1828*. Costa Mesa, California and New York: Mazda Publishers in Association with Bibliotheca Persica,1992.

Butkov, P.G. *Materialy Dlia Novoi Istorii Kavkaza*, (1722-1803). Vol. IIst. Petersburg, 1869.

Çakmak, Mehmet Ali. "Hoy Hanlığı ve Osmanlı Devletinin Bu Hanlıkla İlişkileri." *Türk Kültürü*. Ankara, 1998.

_____. "Hanlıklar Devrinde Azerbaycan-Türkiye Münasebetleri (1723-1829)." *Yayınlanmamış Doktora Tezi. Gazi Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü Genel Türk Tarihi Anabilim Dalı*, Ankara,1996.

Dubrovin N. *History of the War and Russian Rule in the Caucasus*. St. Petersburg: T.YY., 1886.

Gvosdev, Nikolas K. *Imperial Policies and Perspectives Towards Georgia, 1760-1819*. London: Macmillan Press Ltd., 2000.

Haciveva, Saide. "Irevan (Revan) Türk Hanlığı ve Osmanlı Devleti ile İlişkileri." *Türkler*.

- Cilt. 7. Ankara, 2002.
- Mahmudov, Yaqub. *İrəvan Xanlığı*. Bakı, 2010.
- Mustafazadə, Tofiq. *XVIII Yüzdillik-XIX Yüzdilliyin əvvəllərində Osmanlı-Azərbaycan Munasib-ətləri*. Monoqrafiya. Bakı: Elm, 2002.
- Mustafazade, Tofiq. "18. yy'da Osmanlı-Azərbaycan ilişkilerinin başlıca mərhələləri." *Karadeniz Araştırmaları*. Cilt 1. Sayı 1. Bahar 2004.
- Маркова О.П. Россия, Закавказье и международные отношения в XVIII-XIX вв. Из-во «Наука» Москва, 1966.
- Nəcəfli, Guntəkin. *Azərbaycan Xanlıqlarının Osmanlı Dövləti ilə Siyasi əlaqələri (XVIII əsrin II yarısı)*. Bakı, 2002.
- Osmanlı Devleti ilə Azərbaycan Türk Hanlıqları Arasındakı Munsibetlərə Dair Arşiv Belgeleri (1578-1914). C. I. Ankara, 1992.
- Osmanlı Belgelerinde Karabağ. *İstanbul: Başbakanlık Devlet Arşivleri Genel Müdürlüğü, Osmanlı Arşivi Daire Başkanlığı*, 2009.
- Qarayev, Elçin. *İrəvan Xanlığı 1747-1828*. Bakı: Avropa Nəşriyyatı, 2010.
- Qudsi Məhəmməd Muslum. *İrəvanlı Hüseynəli Xanın Məktubları 1789-1791*. AMEA TİEA, iş.7415.
- Temizkan, Abdullah. "Rusya ve Osmanlı Devleti'nin Kafkas-Otesinde Nüfuz Mücadelesi." *Türk Dünyası İncelemeleri Dergisi*. Cilt VI, Sayı 2. İzmir, 2006. Sayfa 447- 462.
- Yerevantsi, Simeon. *Jambr*. Yerevan: Mughni Hratarakchutyun, 1958.